

## ترتیب در ساختار نحوی زبان آلمانی با تکیه بر اجزای نقش دار جمله

\* احمدرضا علی اکبری

### چکیده

چه زبان گفتاری و چه زبان نوشتاری از یک زنجیره خطی در بکارگیری کلمات و اجزای نقش دار جمله تشکیل شده است. اگرچه این امر شاید در زبان گفتاری کمتر مورد توجه قرار گیرد، اما در زبان نوشتاری عدم توجه به آن منجر به اشتباهات فاحش و عدیده ای در بیان صحیح جملات و ابراز دیدگاه های خاص نویسنده خواهد شد. اساس جمله سازی در زبان آلمانی، بر طبق دیدگاه معمول، کلمه است. اما بیان این که یک جمله از کلمات تشکیل یافته، صحیح نیست، زیرا هر جمله در وهله نخست از اجزاء نقش دار جمله که در زبان آلمانی Satzglieder نامیده می شوند، تشکیل می شود. مقاله ذیل در صدد اثبات این نکته است که برای یافتن اجزاء نقش دار جمله و رعایت آرایش جمله، تست جایگزینی در زبان آلمانی اهمیت ویژه ای می یابد و توجه به آن برای تشخیص جایگاه اجزاء نقش دار جمله و رعایت ترتیب مبتنی بر ساختار نحوی برای تشکیل جملات صحیح، بسیار مهم است.

کلید واژه ها: جمله، نحو، اجزای نقش دار جمله، کلمه، ترتیب.

## مقدمه

یافتن قاعده‌ای مستدل و همه‌جانبه در مورد اجزاء مختلف ساختار دستوری زبان‌ها و همچنین زبان آلمانی کاری بسیار دشوار است و زبان‌شناسان نیز در این مورد هنوز به دیدگاه واحدی دست نیافته‌اند. البته این امر به معنای آن نیست که از تلاش برای ساختار صحیح تشکیل جمله که در قالب نحو اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، صرف‌نظر شود. زبان به عنوان مرکز ثقل تفکر و تبادل گفتار در میان ملل مختلف از دیرباز مرکز توجه اندیشمندان بوده و درک صحیح از ساختار نحوی زبان برای بیان دیدگاه‌ها و عقاید در پویایی تفکر بشری نقش ویژه‌ای داشته است. مقاله‌ی ذیل به یکی از ساختارهای پیچیده دستوری زبان آلمانی، یعنی ترتیب اجزاء نقش‌دار جمله (Satzglieder) نظر دارد و شکل‌های مختلف ظاهر شدن اجزاء نقش‌دار جمله را مورد بررسی قرار داده است. آن چه که امروزه در میان زبان آموزان آلمانی و حتی کسانی که از تسلط کافی در این زمینه برخوردار هستند، مشاهده می‌شود، عدم درک صحیح از ساختار نحوی جمله و ترتیب کلمات و اجزاء نقش‌دار جمله است. این مقاله درصدد است با کندوکاو دقیق در اجزاء ناگسسته جمله و ترتیب آن در جمله، جایگاه این اجزاء را روشن سازد.

## بحث و بررسی

آن چه که در وهله‌ی نخست در ساخت جمله مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که اصولاً نحو چیست؟ نحو به بررسی ساختار جمله، تقسیم بندی آن، روابط مختلف میان ساختارهای جمله، امکانات گسترش جمله و اشکال مختلف آن می‌پردازد (بوسمان، ۷۶۶). با این تعریف می‌توان به نقش جمله در ساختار نحوی زبان پی برد. اما خود جمله چیست؟ آیا جمله همان گونه که در نظر عام مورد قبول است، از کلمات تشکیل شده است؟ در زبان آلمانی و اصولاً در بسیاری از زبان‌ها و زبان فارسی جمله از کلمات تشکیل نیافته است، بلکه اجزاء نقش‌دار جمله (Satzglieder) در تشکیل جمله نقشی اساسی دارند. ترتیب اجزای نقش‌دار جمله در جمله از نظر نحوی تابع وابستگی و نزدیکی آن به فعل است. البته نزدیکی و وابستگی در وهله نخست به فعل تام (Das finite Verb) است که مبتنی بر اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع است و نه مصادر و یا افعال غیر تام (Infinitive) که مبتنی به اول شخص، دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع نیستند. در کنار مصادر باید وجه وصفی فاعلی و مفعولی را نیز در این شماردانت (هلینگ-بوشا، ۳۰ و ۴۷۳).

Das finite Verb = gehe, ging...

Das infinitive Verb = gehen, gehend, gegangen....

از آن چه که تاکنون ذکر شد، می توان نتیجه گرفت که کلمات و بالطبع اجزاء نقش دار جمله به همراه فعل تام و غیر تام (صرف شده و صرف نشده) اساس جمله را در زبان آلمانی تشکیل می دهد و در ترتیب جمله باید تعلق و وابستگی به فعل صرف شده را مورد توجه دقیق قرار داد.

اجزاء نقش دار جمله متشکل از کلمات به هم پیوسته هستند (دودن ۱۵۶۹) که فقط به صورت وابسته به هم در جمله ظاهر می شوند و در صورت اجرای تست جایگزینی تغییری در مفهوم جمله انجام نمی پذیرد (یزدانی، ۲۹۷). بنابراین از نظر نحوی جمله *half er keinen Menschen* در زبان آلمانی غلط است، زیرا *keinen* و *Menschen* در ساختار نحوی زبان آلمانی وابسته به هم هستند و به عنوان واحد شناخته می شوند. مثال ذیل گویای این امر است:

Er hat mich nach dem Weg gefragt.

در صورت اجرای تست جایگزینی، باید به عنوان مثال این گونه عمل کنیم:

Nach dem Weg hat er mich gefragt.

در بحث اجزاء نقش دار جمله ابتدا باید به حوزه های نحوی جمله و این که این حوزه ها از چه عواملی تشکیل می شود، توجه داشت. در یک جمله عادی مثل

Er lacht über seine Späße.

تمامی جمله به عنوان حوزه ی جمله محسوب می شود و این حوزه از یک حوزه ی پیشین و یک حوزه ی اصلی تشکیل شده است.

Vorfeld            finites Verb            Hauptfeld

Er lacht            über seine Späße.

بنابراین جمله از یک حوزه ی پیشین (Vorfeld) و یک حوزه ی اصلی (Hauptfeld) تشکیل شده است.

در این میان هر آن چه که به عنوان مبتدا (Vorstellung)، جمله بند (Paranthese bzw. Satzklammer) و حوزه‌ی پایانی (Nachtrag) در جمله ظاهر شود، جزء حوزه‌ی جمله محسوب نمی‌شود. و بنابراین در ساختار ترتیب نحوی زبان آلمانی نقش اساسی ایفا نمی‌کند، امری که نباید به معنای نفی این نکته باشد که در جمله از جایگاه خاصی برخوردار نیست. مثال‌های ذیل در روشن کردن دقیق این مسئله کمک زیادی می‌کنند.

Voranstellung Satzfeld

Was mich betrifft, ich habe meine Arbeit getan.

Satzfeld (Vorfeld und Mittelfeld) Nachtrag (Nachfeld)

Ich habe im Iran gelebt, zwanzig Jahre lang.

Satzfeld Paranthese Satzfeld

Er hat, glaube ich, heute nicht gearbeitet.

بنابراین باید با توجه به مثال‌های بالا به قاعده‌ی ذیل در مورد تشکیل یک حوزه‌ی جمله تکیه کرد.

Vorfeld finites Verb Hauptfeld

Er hat nicht gearbeitet

حوزه‌ی پیشین، جمله بند و حوزه‌ی پایانی را در زبان آلمانی می‌توان اینگونه تشخیص داد که حذف آن‌ها از ساختار جمله به کل جمله و ساختار نحوی آن لطمه‌ای وارد نکند (آلتمان، ۶۵). همان‌گونه که اشاره شد توجه به فعل در ترتیب جمله از اهمیت خاصی برخوردار است و در ترتیب کلمات و اجزاء نقش دار جمله در حوزه‌ی جمله باید به وابستگی آن‌ها به فعل توجه خاصی نشان داد. تعیین جایگاه فعل و ترکیبات فعلی در جمله به سه طریق انجام می‌پذیرد. الف) فعل در جایگاه دوم و یا بهتر است بگوییم، در جایگاه اصلی خود قرار می‌گیرد و این امر در جملات خبری، جملات سوالی با کلمات پرسشی با (wie, wohin, wo, woher, warum,...) صورت می‌پذیرد.

ترتیب در ساختار نحوی زبان آلمانی با تکیه بر اجزای نقش دار جمله

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	fährt	morgen nach Hause.
Warum	kommt	er heute nicht?

ب) جایگاه فعل تام در انتهای جمله است و این امر در جملات فرعی (جملات موصولی مختلف) صورت می‌پذیرد.

Vorfeld	Subjunktion	Hauptfeld	finites Verb
Er kann nicht kommen, weil		er krank	ist.

Vorfeld	Relativpronomen	Hauptfeld	finites Verb
Das ist der Mann, der		heute nicht	kommt.

Vorfeld	Fragewort	Hauptfeld	finites Verb
Wissen Sie, warum		er heute krank	ist?

نکته‌ای که باید در این جا به آن اشاره شود، این است که در صورت استفاده از حروف ربط als ob و als wenn در جملات شرطی، فعل در پایان جمله قرار می‌گیرد، در حالی که این امر در صورت استفاده از حرف ربط als صادق نیست و در این صورت فعل در جایگاه اصلی خود، قسمت دوم قرار می‌گیرد.

Vorfeld	Konjunktion	Hauptfeld	finites Verb
Er tut so, als ob		er ein Held	wäre.

Vorfeld	Konjunktion	finites Verb	Hauptfeld
Er tut so, als		wäre	er ein Held.

البته در جمله‌ی فوق نشان داده شده است که حروف ربط جزء حوزه‌ی جمله نیستند، اما در ساختار نحوی زبان آلمانی از جایگاه خاص خود برخوردار هستند. فعل در ابتدای جمله قرار می‌گیرد و این امر در جملات پرسشی ساده با جواب بله یا خیر، (Entscheidungsfrage) جملات امری و جملات شرطی به کار می‌رود. در این مورد آن چه که به عنوان حوزه‌ی پیشین در حوزه‌ی جمله ملاک توجه بود، اشغال نمی‌شود.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
-----	Hat	er zwei Jahre im Iran gelebt?
-----	Komm	morgen zu mir!
-----	Kommt	er nach Heidelberg, werde ich ihn sehen.

برای بیان بحث ترتیب اجزاء نقش دار جمله در ساختار نحوی جمله هم چنین باید توجه داشت که اجزای نقش دار جمله که وابسته به هم نباشند، نمی‌توانند در کنار هم در حوزه‌ی پیشین (مبتدا) ظاهر شوند (دراخ، ۲۱).

حوزه‌ی قبل از فعل تام (صرف شده) در صورتی که فعل در جایگاه اصلی خود (جایگاه دوم) قرار داشته باشد، به عنوان پیش میدان تلقی می‌شود. ممکن است اجزاء نقش دار جمله در حوزه‌ی پیشین قرار گیرد و قابلیت قرار گرفتن در این جایگاه را داشته باشند. این امر از طرفی به بافت (Kontext) بستگی دارد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	eine Kamera gekauft.
Damit	hat	er eine Aufnahme gemacht.

و یا نیز از طرف دیگر بستگی به این امر داشته باشد که چه عنصری مورد تأکید قرار می‌گیرد:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Dem Schüler	gibt	der Lehrer das Buch.
Fahren	kann	er nicht.

هم چنین متمم های فعلی که قابلیت مقایسه ای دارند، از ارزش قرار گرفتن در حوزه ی پیشین برخوردار هستند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Auf	steigt	der Strahl

در این جمله aufsteigen به عنوان یک جزء نقش دار محسوب می شود. که به علت قابلیت مقایسه ای در جمله ی فوق در جایگاه اول قرار گرفته است. این امر بعنوان مثال در مورد فعل anerkennen صادق نیست زیرا در این حالت قابلیت مقایسه ای مشاهده نمی شود و از این رو جمله ی زیر از نظر نحوی غلط است.

An haben sie ihn erkannt.

حوزه ی بعد از فعل تام (در صورتی که فعل صرف شده در جایگاه دوم قرار گیرد) به عنوان حوزه ی اصلی شناخته می شود. در جملات فرعی، سوالی، شرطی و امری کل جمله به استثنای فعل در شمار میدان اصلی قرار می گیرند. در میدان اصلی به عنوان یکی از ارکان مهم میدان جمله و بالطبع ساختار نحوی زبان باید به ترتیب اجزاء نقش دار جمله توجه خاصی نشان داد.

هر قدر یکی از اجزاء میدان اصلی جمله از نظر نحوی به فعل وابسته تر باشد، این جزء به پایان جمله نزدیک تر است و دورتر از فعل قرار می گیرد. (البته فعل صرف شده در این جا مد نظر است).

بنابراین مصادر، وجه وصفی و متمم های فعلی به علت وابستگی تنگاتنگ آن ها به فعل صرف شده اغلب در پایان جمله و دورتر از فعل صرف شده قرار می گیرند. این امر در مورد افعال معین نیز صدق می کند و این افعال در پایان جمله قرار می گیرند. افعال کمکی با haben و sein نیز جایگاه خود را در قسمت دوم حفظ می کنند و افعال وجهی در پایان جمله قرار می گیرند:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Ich	kann	ihm das Buch nicht geben.
Er	hat	seine Hausarbeit gemacht.
Ich	sehe	ihn arbeiten.
Der	Junge	hat mich kennenlernen wollen.

صفات، اسامی و گروه های حرف اضافه که وابسته به فعل هستند، از نظر ترتیب قبل از متمم های فعل و یا در پایان جمله قرار می گیرند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	seinen Held Ali genannt.
Sie	waren	während des Krieges tapfer.
Sie	haben	immer für Gerechtigkeit gekämpft.

با این توضیحات ترتیب کلمات و بویژه اجزاء نقش دار جمله باید به قرار ذیل انجام شود:

الف) گروه نقش دار قیدی: گروه اسمی و یا حروف اضافه متعلق به فعل که در نقش قید ظاهر می شود و جهتی را بیان می کنند، در ترتیب جمله قبل از متمم های فعلی و یا در پایان جمله قرار می گیرند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Sie	geht	die Treppe hinauf.
Er	hat	seinen Bruder nach Hause gebracht.



اگر در یک جمله چند نقطه‌ی یک مسیر برای بیان یک جهت مورد استفاده قرار گیرد، از نظر ترتیب باید به صورت

۱. شروع (Anfang)

۲. وسیله (Instrument)

۳. مقصد (Ziel)

به کار رود:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	geht	von der Schule durch den Wald nach Hause.

قیده‌های زمان قبل از قیده‌های علت و مکانی قرار می‌گیرند:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	wohnt	seit einem Jahr in Heidelberg.
Der Minister	kommt	morgen zu einem Besuch nach Deutschland.
Der Junge	konnte	gestern vor Freude nicht schlafen.

باید توجه داشت که قیده‌ها اغلب در ابتدای جمله قرار می‌گیرند. اما این امر در وهله‌ی نخست و ترجیحاً شامل قیده‌های مکان و زمان می‌شود و این قیده‌ها در این حالت جایگاه خود را در حوزه‌ی پیشین حفظ می‌کنند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Gestern	hat	es geregnet.
In München	gibt	es ein grosses Zoo.

قیده‌های مکان که معمولاً در آن‌ها اشاراتی به اجزای بدن، مالکیت شخص و یا اجزای یک شیء میشود، در ترتیب قرار گرفتن در جمله قبل از متمم‌های فعلی و یا در پایان جمله قرار می‌گیرند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	eine Mütze auf dem Kopf gehabt.
Das Zimmer	hat	ein Loch an der Decke.
Sie	trägt	einen Ring am Finger.

قیدهایی که مطلقاً در نقش بیان یک جهت ظاهر می شوند، از نظر ترتیب قبل از قیدهایی که به صورت نسبی جهتی را ذکر می کنند، قرار می گیرند:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	bringt	das Buch ins Zimmer herauf.

ب) اسم: اگر اجزاء ناگسسته‌ی جمله اسم باشند، از نظر ترتیب در جمله به قرار زیر هستند. مفعول مستقیم در میدان اصلی بعد از مفعول غیرمستقیم قرار می گیرد و آن چه که به هر حال در نقش فاعل ظاهر می شود، قبل از این دو مفعول قرار می گیرد:

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Gestern	schrieb	Herr Krause seiner Frau einen Brief.
Er	schrieb	gestern seiner Frau einen Brief.

در صورتی که در یک جمله لازم باشد که مفعول مستقیم مورد تأکید قرار بگیرد، می توان آن را قبل از مفعول غیرمستقیم قرار داد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	schrieb	den Brief seiner Frau und nicht seinem Sohn.

در صورتی که مفعول مستقیم به عنوان جزئی از واقعیت بیان شده در گذشته باشد، مفعول غیرمستقیم بعد از مفعول مستقیم قرار می گیرد:

ترتیب در ساختار نحوی زبان آلمانی با تکیه بر اجزای نقش دار جمله

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	dem Schüler ein Buch gegeben.

در این جمله مفعول مستقیم بیان شده به معنای این است که یکی از کتاب های موجود که قبلاً از آن یاد شده است، به دانش آموز داده شده است.

ترتیب قرار گرفتن مفعول حرف اضافه بعد از مفعول غیرمستقیم و مستقیم می باشد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Ich	habe	die Dame nach dem Weg gefragt.
Er	dankt	dem Lehrer für seine Auskünfte.

مفعول حرف اضافه ممکن است قبل از مفعول مستقیم قرار گیرد و از نظر نحوی نقش قید وجهی و ابزار داشته باشد. در صورتی که مفعول مستقیم در نقش دادن اطلاعات ثانویه در جمله ظاهر شود، در آن صورت این مفعول بعد از مفعول حرف اضافه قرار می گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Iran und Japan	vereinbaren	mit Irak diplomatische Beziehung.
Das Buch	fand	unter Jungen ein großes Interesse.

گروه های حرف اضافه ی durch, seitens, von از نظر نحوی در جملات مجهول به مانند قیده های مکانی عمل می کنند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Morgen	wird	vom Studenten ein Fest veranstaltet.

پ) ضمایر: اگر تمامی اجزاء یک جمله ضمیر باشند، ضمیری که در نقش مفعول مستقیم است، قبل از ضمیر در حالت مفعول غیرمستقیم قرار می گیرد. در هر حالت ضمیری که در نقش فاعل است، در حوزه ی اصلی جمله قبل از این دو مفعول قرار می گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Gestern	schrieb	er ihn (den Brief) ihr (seiner Frau).

ترتیب مفعول و حرف اضافه در جمله (حوزه‌ی اصلی جمله) بعد از مفعول مستقیم و غیرمستقیم می‌باشد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Ich	habe	ihn nach dem Weg gefragt.
Er	dankte	mir dafür.

در صورتی که مفعول حرف اضافه در یک جمله به شکل ضمیر باشد، مفعول حرف اضافه شخص، قبل از شیء قرار می‌گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	mit mir darüber gesprochen.

مفعول های حرف اضافه که قبلاً ذکر شده اند و به شکل ضمیر بکار گرفته شده اند، در ترتیب قرار گرفتن در حوزه اصلی جمله قبل از متمم های فعلی و یا در پایان جمله ظاهر می شوند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Ich	ließ	alles willenlos über mich ergehen.

در صورتی که دو ضمیر اشاره در جمله ای ظاهر شوند، مفعول مستقیم بعد از مفعول غیرمستقیم قرار می‌گیرد. این امر در مورد ضمائر نامعین نیز صادق است.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Ich	habe	dem das gesagt.
Er	hat	sicher jemandem etwas gesagt.

ضمایر شخصی در حالت مفعول مستقیم قبل از ضمایر نامعین و اشاره در حالت مفعول غیرمستقیم قرار می‌گیرند و قید شخص در حالت مفعول غیرمستقیم قبل از ضمیر اشاره و نامعین در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	sie jenem anvertraut.
Er	gibt	es ihm.
Der Junge	schreibt	ihr einen.
Das Mädchen	antwortet	ihr jene.

ضمایری که در نقش مفعول در جمله ظاهر می‌شوند و نیز ضمایر انعکاسی در صورتی که فاعل جدیدی در این مکان قرار نگیرد، در ابتدای حوزه‌ی اصلی جمله قرار می‌گیرند و در صورتی که فاعلی در این مکان ظاهر شود، به دنبال آن قرار می‌گیرند. در این میان ضمیر شخصی در حالت مفعول مستقیم قبل از ضمیر شخصی در حالت مفعول غیرمستقیم و نیز حالت اضافی (Genitiv) قرار می‌گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Gestern	schrieb	er seiner Frau den Brief.
Gestern	schrieb	ihr der Mann den Brief.
Gestern	schrieb	ihn der Mann seiner Frau.
Gestern	schrieb	er ihr den Brief.
Gestern	schrieb	er ihn seiner Frau.
Gestern	schrieb	ihn ihr der Mann.

اما برای بیان واقعیتی که باید مورد تأکید قرار گیرد، جمله‌ی زیر نیز صادق است.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Da	hat	Mutter ihn ihr geschrieben.

ضمایر شخصی و انعکاسی در حالت مفعول مستقیم و غیرمستقیم از نظر ترتیب در جمله قبل از ضمایر شخصی در حالت اضافی قرار می‌گیرند.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	ihn dessen beschuldigt.
Ich	bin	mir dessen sicher.
Da	hat	er sich ihrer erinnert.

اسامی در حالت مفعول مستقیم قبل از ضمایر شخصی در حالت اضافی قرار می‌گیرند. اسم در حالت اضافی نیز بعد از ضمیر شخصی قرار می‌گیرد.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	beschuldigt	den Herrn dessen.
Er	ist	sich seines Erfolgs sicher.

ضمیر در حالت مفعول غیرمستقیم قبل از ضمیر در حالت مفعول مستقیم قرار می‌گیرد، به شرطی که مفعول مستقیم به صورت مختصر بیان شود.

Vorfeld	finites Verb	Hauptfeld
Er	hat	mir's gegeben.
Da	hat	er ihm's gesagt.

## نتیجه گیری

در ساختار نحوی زبان آلمانی باید به نقش ترتیب اجزاء نقش دار جمله توجه خاصی داشت. زیرا جمله در زبان آلمانی از کلمات تشکیل نمی شود و اجزاء نقش دار جمله باید در ساختار جمله مورد توجه قرار گیرند. اگر جمله در زبان آلمانی فقط به عنوان مجموعه ای که از کلمات تشکیل شده اند، تلقی شود، اشتباهات فاحشی در ساختار نحوی زبان آلمانی صورت می گیرد. ترتیب اجزاء نقش دار جمله با حوزه‌ی جمله ارتباط تنگاتنگی دارد و این مهم فقط در حوزه‌ی اصلی جمله عینیت می‌یابد. با تست جایگزینی اجزاء نقش دار جمله می‌توان اصل ترتیب را در زبان آلمانی رعایت کرد و جملات صحیح مبتنی بر ساختار نحوی زبان آلمانی ارائه داد. به عبارتی دیگر: به طور کلی جمله از اجزای نقش دار و اجزای نقش دار در جمله از کلمات تشکیل شده‌اند. این تصور در دستور سنتی که جمله از کلمات تشکیل می‌شوند، امروزه دیگر مورد قبول نیست و آن چه معیار درستی این نظر می‌تواند باشد، دو تست جایگزینی و مبتداسازی است.

## ■ References

یزدانی، کیقباد، دستور زبان مقایسه‌ای آلمانی - فارسی، انتشارات پیوند، ۱۳۸۵.

Altmann, H., *Formen der Herausstellung im Deutschen*. Tübingen, 1981.

Bußmann, H., *Lexikon der Sprachwissenschaft*. 2. Auflage, Stuttgart, 1990.

Drach, E., *Grundgedanken der deutschen Satzlehre*. Darmstadt, 1963.

Dudenredaktion (Hrsg.), *Duden, die Grammatik*. Bd. 4. 7. Auflage. Mannheim, Leipzig, Wien, Zürich, 2006.

Helbig, G./ Buscha, *Deutsche Grammatik, Ein Handbuch für den Ausländerunterricht*. Berlin/ München, 2005.